انترناسیونال ٧٤٣

آرش دشتی

**از سوت چارواداری تا سبوس برنج!**

ادبیات حاکمان جمهوری اسلامی، ادبیات لمپنی و چاله میدانی است. این ادبیات، مربوط به دیروز و امروز نیست. ریشه در فرهنگ رهبران جمهوری اسلامی از ریز و درشت شان و از معمم تا مکلای شان دارد. از خمینی که می گفت："اقتصاد مال خر است ! " تا بنی صدر که با عصبانیتی هیستریک گفته بود：" شورا پورا مالیده !"، تا دردانه ی خامنه ای که نظرش به نظر او نزدیک بوده و رو به دوربین بدون هیچ ابایی گفته بود：" آ ب رو بریز اون جایی که می سوزه " . ژاژ خایی و لق زبانی های مسئولان جمهوری اسلامی به افراد اصولگرا و سپاهی و قاضی و مدیر کل ختم نمی شود، حتی رئیس جمهور اعتدالی و اصلاح طلب هم در انتقاد از مردمی که دروغ های او را در مورد رشد و توسعه ی اقتصادی دولتش، افشا کرده اند، گفته بود：" بعضی ها می گویند ما رشد اقتصادی را نمی بینیم، خب بروید عینکی چیزی بگذارید".

از کلمات و الفاظ رکیک و فحش های نمایندگان در مجلس اسلامی که بگذریم، لودگی ها و صوتی معاون و سخنگوی دستگاه قضایی کشور بسیار زننده و زشت و منزجرکننده بود وقتی که پشت تریبون مصاحبه ی مطبوعاتی اش، سوت زد و گفت：" اگه مردی سوت بلبلی بزن بدون آن که انگشتت را به دهن بذاری " و این هنر بی بدلیل خودش را انجام داد و یکبار دیگر ماهیت چارواداری اش را نشان داد.

زبان پریشی ها و رکاکت الفاظ این آقایان برمی گردد به تربیت و آموزش شان در حوزه ها و کتاب ها و مطالب و مباحث کپک زده و عهد بوقی که خوانده اند. اما آنجا که به مردم بر می گردد، این است که این حاکمان دارای پول و مقام و زور و تفنگ و تریبون، بکرات پا را از دایره ی ادب انسانیت بیرون می گذارند و علنا به چشم های مردم زل می زنند و توهین می کنند و این فضیحت ها و شنیعت ها را به حساب شوخ طبعی و شیرین زبانی های خود می گذارند. تازه ترین نمونه ی هتاکی و توهین به مردم، در سفر حجتی وزیر جهاد کشاورزی به گیلان و از زبان شخص وزیر انجام شد. هنگامی که کشاورز گیلانی به واردات برنج و فقر تحمیلی دولت و آقازاده ها به کشاورزان اعتراض کرد، جناب وزیر به یکی از همراهانش گفت：" از این سبوس ها بهش بدهید یه کم بخوره !"

درست است که این زبان لقی ها و توهین ها ریشه در تفکر و تربیت این لمپن های حاکم دارد، اما یک نکته را نباید فراموش کرد و آن هم پیشروی اعتراضات مردم است که مسوولان را چنان به خشم آورده که دندان بهم می سایند و عربده می کشند و سوت می زنند و فحش می دهند.

وقتی منطق و پاسخ های درست و حسابی تمام می شود، لاطائلات و فحش و فضیحت و توهین به زبان می آید. این لمپنیسم را فقط با جارو کردن تمامی حاکمیت و کلیت این نظام پوسیده و ضد مردمی می توان از بین برد. و آن روز نزدیک است.

**جنبش بازنشستگان**

در روز ۱۹ آذر ۱۳۹۶ طبق فراخوانی که از ده روز قبل در فضای شبکه های اجتماعی منتشر شد، تعداد زیادی از بازنشستگان کشوری و لشگری در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و خواستار حقوق از دست رفته شان شدند. آن ها شعار می دادند： منزلت، معیشت حق مسلم ماست! یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می شه! و شعارهای مطالباتی و کوبنده ی دیگر که دولت روحانی و حکومت حامی سرمایه داران و دزدان و اختلاسگران را به چالش می کشید.

اتفاق جالبی که افتاد، ورود حسن روحانی به مجلس برای ارایه ی لایحه ی بودجه سال ۱۳۹۷ بود. روحانی از ترس مردم خشمگین برای یک لحظه هم پیاده نشد، مبادا که حرف معترضان را بشنود. این موضوع بیشتر از هر رفتاری، روی تجمع کنندگان تاثیر گذاشته بود، چرا که نشان داد که رئیس دولت اصلا توجهی به مردم و فریادهایشان ندارد.نکته ی دیگر این است که از تابستان تا ۱۹آذر، سه تجمع با فراخوان بازنشستگان صورت گرفته است. این در حالی است که در سال گذشته شاهد چنین تجمع ها و اعتراضات گسترده و سازماندهی شده اینچنینی نبوده ایم. در این فراخوان ها و تجمع ها، تشکلی تلگرامی با نام " اتحاد بازنشستگان" شکل گرفته است.

بازنشستگان در حقیقت همان کارگران و کارمندان و معلمان و پرستارانی هستند که تا دیروز کار می کردند و امروز بازنشسته شده اند. دریافتی بسیاری از بازنشستگان کمتر از شاغلین است و این حقوق بازنشستگی کفاف زندگی را نمی دهد. آن ها دریافته اند که باید به این فقر تحمیل شده اعتراض کنند. آن هم نه اعتراض هایی از قبیل نامه نگاری و مراجعات انفرادی و چند نفری به اداره ی مربوطه، بلکه سازمان دادن اعتراضاتی سراسری و آمدن به خیابان و تجمع در نقطه ای از شهر که در یک طرفش مجلس قانون گذاری است و در طرف دیگرش سازمان برنامه و بودجه.

در فضای شبکه های اجتماعی در بعضی گروه ها دیده شده است که تجمع ها و اعتراضات خیابانی و پیشروی بازنشستگان را کم اهمیت جلوه می دهند، و به این خاطر برخی تشکل ها و گروه هایی پشت این حرکت نرفته اند، بلکه انتقاداتی را هم متوجه بازنشستگان می کنند. در حالی که در ایران اسلام زده، نزدیک به یک سال است که جنبشی به نام جنبش بازنشستگان شکل گرفته و به موازات جنبش کارگری به میدان آمده است. این جنبش فعالان خود را دارد. فعالانی با سی سال تجربه ی کار و مبارزه.

این جنبش،شعارهای رادیکال مطالباتی خود را دارد. تشکل خود را دارد(اتحاد بازنشستگان). رسانه های خود را دارد. (گروه تلگرامی اتحاد بازنشستگان و کانال پیشکسوتان). بازنشستگان چه بسا که در مطالبه گری هایشان، قاطع تر و ثابت قدم تر از شاغلین هستند، زیرا ترس از اخراج و بیکار شدن را ندارند و به معنای واقعی کلمه، در به میدان آمدن شان جز زنجیرهای فقر چیزی برای از دست دادن ندارند.

**شعاری که طنین انداز شد!**

روز ۲۶ آذر ۹۶ غارت شدگان موسسه مالی کاسپین که چندین ماه است که برای باز پس گرفتن پول های غارت شده ی خود به خیابان آمده اند، خشمگینانه شعار " مرگ بر روحانی" سر دادند.

روحانی در شعارها و در مناظره تلویزیونی برای انتخابات ریاست جمهوری، می گفت که عملکرد تمام نهادها و موسسات مالی و بانکی را به صورت شفاف در اختیار مردم خواهد گذاشت، از همان فردای بیرون آمدن از صندوق ماربازی، فراموش کرد که چه قولی به رای دهندگان و به مردم داده بود.

موسسات مالی و بانکی زیر نظر بانک مرکزی روحانی، اندوخته های مردم و سپرده گذاران را بالا کشیدند و روحانی ماه هاست که شاهد راهپیمایی ها و اعتراضات سپرده گذاران غارت شده، هست اما به روی مبارک خود نیاورده است. بارها ماموران سرکوب تحت امر روحانی، مالباختگان معترض را کتک زدند و روحانی به فریادهای مردم، وقعی نگذاشت تا این که امروز مردم به جان آمده، شعاری را سر دادند که شعاری کلیدی است. " مرگ بر روحانی" شعار مرگ بر جمهوری اسلامی است. شعار مرگ بر نظام است. شعار سرنگونی است. شعار تدارک یک کارزار گسترده و اجتماعی است که امروز از زبان غارت شدگان بیرون آمده است وفردا می تواند برزبان بازنشستگان و معلمان و کارگران جاری شود.

این شعار فردا می تواند فریاد کولبران و بازماندگان کولبران کشته شده باشد. می تواند شعار کشاورزان کوهدشت باشد که وزارت بازرگانی روحانی دست بسرشان کرده و محصولات چغندرشان را نمی خرد. می تواند شعار زنان باشد که مورد تبعیض و آزار و اذیت قرار دارند. و کارگران و بیکاران و کودکان کار و خیابان و دانشجویان و جوانان و مردم به ستوه آمده این شعار را فریاد بزنند.

بی جهت نیست که سپاه سرکوب محمد از هفته ی پیش، اعلام کرده که برای حفظ امنیت و" زلزله ی اجتماعی که به گفته ی فرمانده ی جنایتکار این سپاه؛ مهم تر از زلزله ی کرمانشاه است، در شهر مستقر می شود !

جناب روحانی! این مردم که امروز در قلب تهران و بیخ گوش شما، مرگت را آرزو کرده اند، نه از طرفداران جناح به اصطلاح رقیبت هستند و نه مریخ آمده اند. این ها زخم خوردگان نظامی هستند که تو رییس اجرایی آن هستی و با دروغ ها و وعده وعیدهایت سعی داری برای این مریض محتضر و رو به موت، فرصت بخری.ولی بدان که شمارش معکوس برای سرنگونی تو و نظام گندیده ات فرا رسیده است.